

## تحلیل انتقادی کتاب فضائل مصر و اخبارها و خواصها

مریم هاشمی\*

### چکیده

مقاله حاضر با هدف نقد و بررسی کتاب فضائل مصر و اخبارها و خواصها، اثر ابن زولاق، درباره بوییش علمی تاریخ‌نگاری اسلامی - ادبی تمدن فاطمیان و تاریخ محلی به‌نگارش درآمده است. این نوع تاریخ‌نگاری اسلامی - ادبی، با سنت ریشه‌دار و اصالت خاص خود، پیوسته مورداهتمام مورخان مسلمان و از جمله ابن زولاق بوده است. وی به نگارش تاریخ محلی مصر پرداخت و کتابش در زمره یکی از گونه‌های اصیل و قانون‌مند تاریخ‌نگاری اسلامی، یعنی تاریخ محلی شهرهای متنوع جهان اسلام، مطرح شد. اثر علمی ابن زولاق تلاشی ارزشمند و گامی بلند در تبیین عمق و اعتلای تاریخ‌نگاری محلی فاطمیان است و به روش توصیفی - تحلیلی نقد و ارزیابی می‌شود.

از نتایج به‌دست‌آمده در این وجیزه، می‌توان به عوامل ظهور این نوع تاریخ‌نگاری نزد ابن زولاق از جمله انگیزه وطن‌دوستی و جایگاه برجسته آن و علاقه شخصی این مورخ محلی به ثبت وقایع تاریخی محل زندگی‌اش و نیز تشویق حاکمان محلی اشاره کرد. هم‌چنین، نویسنده در بررسی تاریخ محلی از رویکرد تاریخی - روایی و براساس شیوه حدیثی - خبری از شیوه‌های تنظیم در تاریخ‌نگاری اسلامی بهره برده است و مطالب کتاب را غالباً براساس تقسیم‌بندی ادواری و زمانی ارائه کرده است.

**کلیدواژه‌ها:** ابن زولاق، تاریخ‌نگاری محلی، کتاب فضائل مصر، نقد و تحلیل.

### ۱. مقدمه

منتقد تاریخی - ادبی، که به شرح حال و تفسیر آثار تاریخی و درنهایت به داوری درمورد نیک و بد آثار می‌پردازد، مانند شناگری است که در دل دریای نقد قرار گرفته است و با

---

\* استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، mhashemi27@hotmail.com  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۰۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۲/۰۲

سوارشدن بر امواج آن چونان یک ناظر بیرونی و درونی حرکات و سکنتات نویسنده اثر را نظاره می‌کند و به نقد و ارزیابی آن‌ها می‌پردازد. کتاب *فضائل مصر و أخبارها و خواصها*، که ابن‌زولاق (۳۰۶-۳۸۷ ق) آن را به رشته تحریر درآورده است، از جمله کتاب‌هایی است که می‌تواند عطش پژوهندگانی را که در جست‌وجوی تاریخ محلی مصرند سیراب کند. از آن‌جا که این کتاب خالی از ضعف و کاستی نیست، در این مختصر سعی شده است به روش توصیفی - تحلیلی به ارزیابی و نقد کتاب پرداخته و به دو پرسش زیر پاسخ داده شود:

۱. نکات اصلی مدنظر نویسنده، ابن‌زولاق، در کتاب *فضائل مصر* چیست؟

۲. نویسنده در پیش‌برد نکته اصلی از چه مسیر استدلالی پیروی می‌کند؟

در زمینه پیشینه پژوهش فقط دو مقاله وجود دارد که به زبان عربی نگاشته شده است:

- مقاله «قراءة جدیدة فی کتاب فضائل مصر و أخبارها و خواصها»، به قلم علی محمد عمر و نقد محمد سالم (مجله منبر الإسلام، ۱۴۲۰ق، ش ۶۳۱). اما این مقاله فقط روایت از دیگران است و آنچه بیان شده نقل است و نه نقد.

- مقاله «من تراثنا العلمی: فضائل مصر لابن‌زولاق، وصف و تلخیص لنسخه مخطوطه»، به قلم علی طنطاوی (مجله الرسالة، ۱۳۵۳ق، س ۲، ش ۷۱). در این مقاله نیز فقط به نقل روایت اکتفا شده است و نه نقد.

شایان ذکر است که تاکنون تحلیلی انتقادی، چه در داخل چه در خارج از کشور، درباره این اثر علمی، *فضائل مصر و أخبارها و خواصها*، انجام نگرفته است. امید می‌رود، با تحلیل نقادانه آن، مسیر برای ادیبان مورخ و مورخان ادیب و این‌گونه تاریخ‌نگاری اسلامی (محلی) هموار شود و کوششی باشد در قوت‌دهی به محاسن و رفع معایب آن.

قصد نگارنده از نقد این نوع کتاب تذکار این موضوع است که در ایران پژوهش‌هایی که در حوزه تاریخ محلی انجام گرفته تا حد مقبولی کاوش و بررسی شده است؛ اما به نظر می‌رسد یکی از کم‌بودهایی که در این حوزه وجود دارد این است که در دانشگاه‌ها و محیط‌های علمی ما پیشینه توجه به دیدگاه‌های نام‌آورانی چون ابن‌زولاق نه تنها کم است، بلکه به جرئت می‌توان گفت پژوهشی در این زمینه وجود ندارد و همین موضوع باعث شده تاریخ‌نویسان ادبی بزرگ و مسلمان کم‌تر شناخته شده باشند. از این‌رو، می‌توان گفت پژوهش‌هایی علمی، که در آن‌ها به معرفی اندیشه‌های این گروه از تاریخ‌نویسان ادبی پرداخته شده، اهمیت زیادی دارد.

## ۲. معرفی شکلی اثر

کتاب فضائل مصر را ابن زولاق نوشته و علی محمد عمر به تحقیق و بررسی آن پرداخته و برای دومین بار در انتشارات مکتبه الخانجی در قاهره به سال ۲۰۰۰ چاپ شده است؛ با ذکر این که چاپ اول کتاب به درستی معلوم نیست. این کتاب، با فهرس آن، بدون تقسیم‌بندی به عناوین بخش و فصل و بدون خاتمه، ۱۴۴ صفحه دارد. جلد کتاب سبزرنگ است و در بالای آن نام کتاب و نام نویسنده و محقق با درجه علمی دکتر درج شده است و در پایین، سمت راست، آرم انتشاراتی و در سمت چپ جلد تصویری نقاشی شده از مصریان در حال تردّد در بازارچه‌های مصر درج شده است. در پشت جلد نیز، در ۱۸ سطر، توسط ناشر، مختصری درباره شرح حال نویسنده و توجه او به تاریخ مصر آمده است.

مطالب کتاب به ترتیب عبارت است از: «عنوان»، «شناسه»، «مقدمه»، «مطالب اصلی کتاب»، «پیوست‌ها»، «فهرست اعلام»، «فهرست محتویات» و «مراجع».

- شناسه کتاب: شامل نام مرکز انتشاراتی، نویسنده، ایمیل، و آدرس درگاه اینترنتی است. موضوع اصلی کتاب در این شناسه تاریخ مصر است؛

- مقدمه: این بخش حدود ۱۴ صفحه (ابن زولاق ۲۰۰۰: ۳-۱۶) از کتاب را به خود اختصاص داده است و شامل روش نگارش ابن زولاق و جایگاه وی در میان مورخان است؛

- مطالب اصلی کتاب: بعد از مقدمه با ذکر آیات شریفه‌ای از قرآن کریم که درباره مصر سخن به میان آورده آغاز می‌شود. سپس، با احادیثی از رسول خدا (ص) در همین باره ادامه می‌یابد. سپس، دعا‌های پیامبرانی است که برای سرزمین مصر طلب رحمت و نعمت الهی کرده‌اند (همان: ۹). سپس، به توصیف علما و دانشمندان مصر پرداخته شده است (همان: ۱۰). در صفحات بعدی (همان: ۱۳) ذکر پیامبرانی است که در سرزمین مصر متولد شده‌اند. سپس، مطالبی درباره شرح حال گروهی از حکیمان مصر درج شده است (همان: ۱۷). سپس، به ذکر پادشاهانی پرداخته شده که بعد از رخداد طوفان نوح (ع) بر مصر حکومت کرده‌اند (همان: ۲۰-۵۳). سپس، از فتح آن به دست مسلمانان و حکمرانی پادشاهان دوره اسلامی بر مصر سخن رانده شده و خلفای فاطمی که قبل از معز بالله فاطمی وارد مصر شدند. نیز به شرح حال کارگزاران مالیات خراج، قاضیان، اصحاب رسول خدا (ص)، راویان و طبقات آنان، محدثان، نویسندگان، حافظان احادیث، راویان فقه و فقیهان، نحویان و شاعران

برجسته، متکلمان، نسب‌شناسان، زاهدان، نجیب‌زادگان خاندان ابی‌طالب، فرزندان ابی‌طالب و علویان، عباسیان، شیعه‌شدگان مصری (مسلمانانی که در ابتدا بر مذهب شیعه نبودند؛ ولی بعد شیعه شدند)، سوارکاران جنگی، مرزداران، مساجد، و اماکن شریفه پرداخته شده است.

سپس، مطالبی درج شده است درباره ویژگی‌های سرزمین مصر و پرسش و پاسخی که مأمون، خلیفه عباسی، درباره مصر مطرح کرد و ذکر شهرک‌ها، روستاها، توابع حومه مصر، شگفتی‌ها و عجایب مصر، رودخانه نیل، خاک مصر، مالیات مصر، خوراک و پوشاک و مسکن و چهارپایان مصر، و روزهایی که مناسب با ماه‌های قبطی است که در آن به امور کشاورزی، زراعت، و آبیاری پردازند و جزرومد نیل را در نظر بگیرند (همان: ۵۴-۱۰۴).

- خاتمه کتاب: خاتمه ندارد؛

- پیوست‌ها (الملاحق): در دو صفحه شامل دو عکس از نسخه‌های خطی کتاب است: نسخه اول از نسخه الأزهر به شماره ۱۱۵۳؛ نسخه دوم موجود در «دار الکتب» به شماره ۲۳؛

- فهرست نام اعلام و مصطلحات (فهارس): این فهرست در ۲۶ صفحه (همان: ۱۱۱-۱۳۶) به ترتیب حروف الفبا تنظیم شده است؛

- محتویات (فهرست): فهرست این کتاب در سه صفحه (همان: ۱۳۷-۱۳۹) شامل عناوین اصلی و فرعی است؛

- کتاب‌نامه (المراجع): مراجع و مأخذ این کتاب در پنج صفحه (همان: ۱۴۰-۱۴۴) به ترتیب حروف الفبایی اسامی کتاب‌ها تنظیم شده است.

### ۳. تحلیل ابعاد شکلی یا تحلیل کمی کتاب فضائل مصر

ساخت یا ساختار، به معنی چارچوب متشکل پیدا و ناپیدای هر اثر، عبارت از نظامی است که همه اجزای اثر و همه اعضای آن، در پیوند با یکدیگر و در کاربردی هماهنگ، کلیت اثر را می‌سازد. این کارکرد هدف مشخصی دارد که بدون تعامل و هماهنگی اجزا امکان‌پذیر نیست (رضایی و محمودی ۱۳۸۹: ۴۷).

هرچند مفهوم ساختار فراتر از ابعاد شکلی یک اثر است، دربرگیرنده آن نیز هست (میرزایی و ابویسانی بی تا: ۴). کتاب فضائل مصر نیز دارای ابعاد شکلی ویژه خود است که

تحلیل آن ارزش کمی این اثر را نشان خواهد داد. فصول کتاب به شکل تاریخی تنظیم شده است و نویسنده سرزمین مصر را از رخدادهای زمان حضرت نوح (ع) و طوفان مهلکی که عصیان‌گران را در گرداب خود غرق کرد تا گشودن آن توسط مسلمانان توصیف می‌کند. در بُعد شکلی، کمیّت، و حجم، میان تعداد صفحاتی که به عناوین مدنظر نویسنده مربوط است هماهنگی به چشم می‌خورد.

کتاب‌نامه (مراجع) این کتاب شامل ۶۴ مصدر و مرجع است و نشان می‌دهد محقق در بررسی موضوع تلاش گسترده‌ای کرده است. این منابع با دسته‌بندی خوبی هم ارائه شده و قابل استفاده برای پژوهش‌گران تاریخ محلی مصر است. مراجع و منابع به کاررفته در پاورقی هر صفحه درج شده است. بخش فهرس این کتاب، اعم از اعلام و الفاظ اصطلاحی (قبایل و طوایف)، و اشعار براساس حروف الفبا درج و به شکل دقیقی تنظیم شده است.

علایم نگارشی، نوع و اندازه قلم، پاورقی‌ها، ذکر مراجع و منابع در هر صفحه و مواردی از این قبیل از دیگر نکات موردتوجه در تحلیل ابعاد شکلی یک اثر است (همان بی تا: ۴). به نظر می‌رسد قلم به کاررفته برای نوشتن این اثر به خوبی انتخاب شده است؛ زیرا از یک سو زیباست و از دیگر سو خواننده را به هنگام مطالعه دچار مشکل نمی‌کند و چشم وی را نمی‌آزارد. هم‌چنین، اندازه قلم به کار گرفته شده در پاورقی یک یا چند سبزه کوچک‌تر از اندازه متن اصلی انتخاب شده است.

پاورقی هر صفحه از شماره یک آغاز می‌شود و به صورت تسلسلی از ابتدای کتاب تا انتهای آن پی‌گیری نشده است. هم‌چنین، عناوین اصلی با قلم درشت و عناوین فرعی با قلم ریزتر انتخاب شده‌اند. نکته دیگر تعداد سطرهای موجود در هر صفحه است. صفحاتی که پاورقی ندارند دارای ۲۳-۲۵ سطر و صفحات همراه پاورقی ۲۶-۲۷ سطر را در خود جای می‌دهند؛ به نظر می‌رسد میان سطرهای به کاررفته در هر صفحه هماهنگی وجود دارد. دیگر آن که کتاب فقط با ذکر یک مقدمه آغاز می‌شود و در صفحات بعد و قبل از ورود به عنوان جدید خواننده با واژه‌ای چون «تمهید» نیز برای شروع مطالب مقدماتی مواجه نمی‌شود.

#### ۴. تحلیل ابعاد محتوایی کتاب فضائل مصر

برای پرداختن به مقوله تحلیل ابعاد محتوایی یا تحلیل کیفی کتاب فضائل مصر، شایسته است به تعریف مفاهیم و اصطلاحات مطرح در این کتاب چون «تاریخ‌نگاری محلی» پردازیم:

#### ۱.۴ تعریف تاریخ‌نگاری محلی

اصطلاح «تاریخ‌نگاری محلی» از جمله مفاهیم فنی و تخصصی در تاریخ‌نگاری نوین اسلامی است که می‌توان با مشاهده شواهد و مصداق‌های متعددش آن را این‌چنین تعریف کرد:

تاریخ‌نگاری محلی یکی از صور و شکل‌های اصلی تاریخ‌نگاری اسلامی است که سنت ریشه‌داری در ادبیات تاریخی - اسلامی دارد و، در مقایسه با دیگر گونه‌های قانون‌مند نوشته‌های تاریخی، از تنوع شکلی (صوری) و محتوایی منحصر به فردی برخوردار است (روزنتال ۱۳۶۶: ۱۷۳).

تاریخ محلی عادتاً در مقابل تاریخ عمومی قرار گرفته است و این تقابل و تضاد به تعریف نسبی تاریخ محلی کمک می‌کند. تکیه بر این اضداد یا خاصیت‌ها می‌تواند ما را به تعریفی ولو نسبی از تاریخ محلی نزدیک کند. یکی از این خاصیت‌ها آن است که تعبیر تاریخ محلی، بانظربه جزو دوم این ترکیب اضافه، خواه‌ناخواه، با جغرافیا پیوند می‌خورد و تاریخ‌نگاری محلی، خواسته یا ناخواسته، خود را ملزم می‌بیند نه تنها تاریخ را در جغرافیا به‌تماشای بنشیند، بلکه بر سر آن است تا جغرافیا را نیز در چشم‌اندازی تاریخی بررسی و ملاحظه کند. این هم‌نشینی و هم‌پیوندی مرز دیگری را نیز به روی تاریخ محلی می‌گشاید و آن «جغرافیای تاریخی» است (رودگر ۱۳۹۱: ۲).

تاریخ‌نگاری محلی یکی از انواع تاریخ‌نگاری‌های موضوعی و یکی از شاخه‌های مهم تاریخ‌نگاری اسلامی از ابتدای قرون اولیه اسلام به‌شمار می‌رود و شامل تواریخ خاص یک منطقه، ناحیه، یا یک شهر است که از قرون گذشته بسیار معمول گشته است؛ به‌طوری‌که برخی شهرها، به‌خصوص شهرهای مهم، دارای چندین تاریخ مکتوب‌اند؛ البته، آثار تاریخی محلی زیادی دست‌خوش حوادث شده و از بین رفته‌اند؛ به‌طوری‌که امروزه در سایر منابع تاریخی فقط نامی از آن‌ها برجای مانده است. با بررسی منابع تاریخ‌نگاری محلی، به‌نظر می‌آید که مورخان آن‌ها به نوشتن تاریخ منطقه خود مشتاق بوده‌اند تا از این طریق اوضاع منطقه و محل سکونت خود را وارد تاریخ بسازند و به اطلاع عموم و آیندگان برسانند (حمیدی ۱۳۷۲: ۶۲-۶۴).

#### ۲.۴ علل و انگیزه‌های رویکرد تاریخ‌نگاری محلی در عهد فاطمیان و نزد ابن‌زولاق

پس از آن‌که حکومت‌های محلی از میان حکومت مقتدر مرکزی قد برافراشتند و با پشت‌سر گذاردن دوره‌های طولانی مدت نزع و اختلاف قدرت و استقلال یافتند، جرقه‌ای از

آگاهی و وجدان بومی در دل مردم این نواحی شعله کشید و آنان را با قدرت‌های حاکمه محلی در دفاع از تعرضات همسایگان‌شان هم‌گام ساخت و مورخان منطقه‌ای در این نهضت به نگاشتن تواریخ این مناطق روی آوردند تا سوابق افتخارآمیز منطقه خود را احیا و آن سوابق را به متعرضان گوش‌زد کنند (گروهی از نویسندگان ۱۳۶۱: ۱۴۳).

پرداختن مورخان ادیان دیگر به تواریخ محلی به‌نوعی در روی آوردن مسلمانان به نگارش تاریخ‌های محلی خود بی‌تأثیر نبوده است؛ به‌طوری‌که نمونه‌ها و آثاری در تاریخ‌های محلی عربی - اسلامی نفوذ یافته است که منشأ مسیحی و سریانی دارند. وجود این شواهد سبب شده تا برخی احیا و رشد تاریخ‌نگاری محلی را متأثر از تاریخ‌نگاری مسیحی و سریانی بیندارند. موقعیت تجاری و بازرگانی شهرها و برخورداری از ارتباطات سایر مناطق در برانگیختن مورخان محلی به گردآوری آثار محلی و شناساندن محل خود به سایرین در رشد این تاریخ‌نگاری مؤثر بوده است؛ هم‌چنین، از دیگر علل رویکرد مورخان به تاریخ‌نگاری محلی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: (طیبی ۱۳۸۱: ۹۳-۹۶).

- علاقه‌مندی و تجسس مردم شهرنشین به‌جهت اطلاع از اوضاع و احوال پیشینیان خود؛

- وطن‌دوستی و علاقه به زادگاه؛

- تعیین زادگاه راویان حدیث؛

- موقعیت تجاری و بازرگانی.

علت و انگیزه ابن‌زولاق در نگارش کتاب فضائل مصر این بوده است که تحولات مصر را پس از حادثه طوفان نوح (ع) تا ورود اسلام و حکمرانی مسلمانان بر آن پی‌گیری کند. وی به‌طور مشخص بر سال‌های ۲۰ ق، از ورود اولین سرکرده مسلمانان، به نام عمرو بن العاص، تا آخرین آنان، جوهر سیسیلی، تمرکز می‌کند. بنابراین، کتاب می‌تواند منبعی نسبتاً جامع برای رصد کردن جنبش‌ها و رویکردهای تاریخ محلی مصر به‌شمار آید.

### ۳.۴ ویژگی‌های تاریخ‌نگاری محلی فاطمیان و کتاب فضائل مصر

این ویژگی‌ها را می‌توان در چهار بخش از ویژگی‌های عمومی مورخان محلی، مباحث موردنظر آنان، و عوامل تأثیرگذار در آن، شیوه نوشتاری، و محتوای متون این تاریخ‌نگاری‌ها جست‌وجو کرد. برخی ویژگی‌های تاریخ‌نگاری محلی در عهد فاطمیان و از جمله ابن‌زولاق، که از مورخان این عهد تاریخی است، از این قرار است (نورایی ۱۳۹۰: ۲۶۲):

۱. تاریخ‌نگاران محلی این دوره بیش‌تر با رویکرد توصیفی به نگارش تواریخ محلی اهتمام کرده‌اند و اطلاعات آنان مبتنی بر مشاهدات عینی، مطالعات میدانی، منابع، و اسناد بوده است؛
۲. کاربرد آیات قرآنی، احادیث، و روایات نبوی، حکایت‌ها و گاه اشعار شاعران و استناد بدان‌ها به اقتضای کلام، به‌ویژه در بیان فضائل و محاسن شهرهای مصر، شاخصه دیگر این گونه تاریخ‌نگاری است؛
۳. از یک منظر کلی دیگر، تاریخ‌های محلی در این دوره به‌طور عمده در سه قالب تراجم، خطط، وقایع‌نگارانه، و گاه در ترکیبی از این سه قالب نگاشته شده‌اند؛
۴. بیش‌تر تاریخ‌های محلی در این دوره، به‌دلیل پرداختن به حدود مصر و شهرهای آن، از بارزترین منابع در تعیین حدود جغرافیایی و ترسیم نقشه اقلیم مصر در دوره‌های مختلف زمانی به‌شمار می‌آید.

#### ۱.۳.۴ ویژگی‌های نوشتاری تاریخ‌نگاری محلی فاطمیان و کتاب فضائل مصر

تألیفات تاریخی دوره فاطمیان در دو دسته طبقه‌بندی می‌شود (همان: ۲۶۳):

- تألیفاتی که دارای نثر فنی و ادبی‌اند که به‌نظر می‌رسد مؤلفان از خلق این آثار اغلب هدفی به‌جز تاریخ‌نگاری نیز داشته‌اند؛
- تألیفاتی که دارای نثری روان و ساده‌اند و پیداست که نگارنده هدفی جز تاریخ‌نگاری نداشته است.

ویژگی‌های نوشتاری کتاب فضائل مصر بدین شکل است که دارای نثری سلیس و روان است و به‌نظر می‌رسد نویسنده انتخاب قلم و نثر ساده و آسان خود را، علاوه‌بر انگیزه تاریخ‌نگاری، بدین جهت به‌کار برده که تصمیم داشته همه اقشار جامعه آن وقت، اعم از خواص و عوام، و شاید آیندگان بی‌هیچ حرج و زحمتی در مواجهه لغات و واژگان دشوار و یافتن معانی آن، از تاریخ کهن و بی‌مانند مصر در نوع خود، اطلاع یابند.

#### ۲.۳.۴ ویژگی‌های محتوایی تاریخ‌نگاری محلی فاطمیان و کتاب فضائل مصر

برخی ویژگی‌های محتوایی متون تاریخ محلی فاطمیان از قرار زیر است (همان):

- نویسندگان این عهد، به‌واسطه مطالعه منابع تاریخی بسیار زیاد، از آگاهی و اطلاعات زیادی برخوردار بودند؛



- از دیگر مواردی که در محتوای تواریخ محلی به چشم می‌خورد تاحدودی پرهیز از تکرار است.

از این رو، پیداست انگیزه برخی مورخان محلی در ثبت وقایع شهر و منطقه محل سکونتشان بسیار بیش‌تر از انگیزه نمایش دادن هنرمندی خود در نثرپردازی و واژه‌آرایی یا حتی جمع‌آوری اخبار و اطلاعات بوده است.

- برخی کتب محلی این زمان به امر حاکم محلی تألیف شده است و تأکید برخی حکام محلی به ثبت حقایق می‌تواند بر پرهیز از دروغ‌پردازی یا مبالغات غیرواقعی قلمداد شود؛

- نوع نگرش و نگاه مورخان به فاطمیان نسبت به دیگر حکام تا این زمان از نوعی پیچیدگی برخوردار است.

شعور تاریخی به کاررفته در محتوای کتاب فضائل مصر بیان‌گر آن است که نویسنده در ترسیم تاریخ‌نگاری محلی مصر با قرآن کریم و حدیث و تفسیر پیوند بسیار دارد و از این‌ره‌گذر، از یک‌سو، در صدد بیان میزان قدسیّت و روحانیت سرزمین مصر به مخاطبان است و، از سوی دیگر، در صدد گوش‌زد کردن اهمیت استراتژیک این خطّه از کره خاکی که محلّ قدوم انبیا، پیامبران، و اولیای الهی بوده است.

## ۵. تحلیل محتوای کیفی کتاب فضائل مصر

شکل و مضمون از مؤلفه‌های آثار تاریخی - ادبی است. بنابراین، پسندیده نیست که در نقد چنین آثاری جانب یکی را نگه داشت و دیگری را به حال خود رها کرد؛ زیرا شکل تنها که معیار فنی متون تاریخی - ادبی است آن‌ها را فقط وارد قلمرو تاریخ و ادبیات می‌کند؛ در حالی که مضمون هویت و آبشخور اندیشه‌ای آن‌ها را آشکار می‌کند و این همان چیزی است که جاودانگی، عظمت، و اهمیت چنین متونی را در پی خواهد داشت (قصاب ۲۰۰۷: ۴۸). بنابراین، در پرتو بررسی تحلیل محتوای این اثر راهی برای فهم و تفسیر شعور تاریخی نویسنده یافت می‌شود.

فرایند تاریخ‌نگاری محلی در دوره فاطمیان شاهد نگارش اثری با عنوان فضائل مصر و اخبارها و خواصها است که حاوی چشم‌اندازهای متنوع موضوعی تاریخ‌نگاری محلی مصر است. هدف از نگارش کتاب فضائل مصر ترسیم همان فضای سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی مصر است که اشارات تاریخی نویسنده به اقوام و امم پیشین انگیزه‌ای قوی برای وی شد تا درباره این اشارات تاریخی اطلاعات بیش‌تر و دقیق‌تری به دست آورد.

از آن‌جاکه تاریخ‌نگاری محلی به ثبت و ضبط وقایع تاریخی در محدوده یک محل یا موقعیت جغرافیایی (شهر، ایالت، یا ناحیه) اطلاق می‌شود و امروزه ذیل تاریخ ملی قرار می‌گیرد (سجادی و عالم‌زاده ۱۳۷۹: ۳۴)، ابن‌زولاق، این تاریخ‌نویس محلی، که اصلاً مصری است، بعد از مدنظر قرار دادن عامل جغرافیایی، که سرزمین مصر است، با تکیه بر عناصر سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی به تاریخ محلی مصر می‌پردازد.

تاریخ‌های محلی، بیش از هر گونه دیگر از تاریخ‌نگاری، با اوضاع و احوال جغرافیایی سرزمین‌ها سروکار دارد و در واقع به دلیل رابطه مستقیم و تنگاتنگ رخدادهای محلی با شرایط طبیعی و جغرافیایی می‌توان تاریخ‌های محلی را با مفهوم تاریخ طبیعی نزدیک دانست و به همین جهت در مقدمه این آثار تشریح اوضاع جغرافیایی و تأثیر آن در تکوین تاریخ محلی یک سرزمین و نیز توپونومی (toponymy) — یعنی علم شناخت وجه تسمیه نام‌های جغرافیایی — حتماً مورد توجه قرار می‌گیرد (خیراندیش ۱۳۸۰: ۴).

ملاحظات دینی در ابتدا اصلی‌ترین بخش تاریخ‌های محلی را تشکیل می‌داد و رفته‌رفته مفاخره محلی نیز به آن افزوده شد (اتکینسون و دیگران ۱۳۷۹: ۴۴-۴۵). وجود حس وطن‌دوستی و تفاخر بومی در بین مورخان محلی از یک‌سو و ضرورت دستیابی حکمرانان محلی به کاربرد اطلاعات شهرها و ایالات مختلف در وضع مالیات‌ها و طرز وصول آن از سویی دیگر سبب رشد و شکوفایی تاریخ‌نگاری محلی شد (اشپولر و دیگران ۱۳۸۰: ۲۸۲).

مفاخره محلی و بومی نیز از عوامل مهم ایجاد انگیزه در مورخان محلی برای تألیف آثارشان بود و رفته‌رفته این انگیزه به قدری در مورخان محلی تقویت یافت که فقدان منابع تاریخ‌نگاری محلی برای منطقه‌ای رسوایی تلقی می‌شد؛ زیرا حاکی از غفلت مورخان آن منطقه بود که، به‌رغم نگاشتن تاریخ سایر مناطق، از نگاشتن تاریخ زادبوم خود بازمانده‌اند (روزنتال ۱۳۶۶: ۱۷۳).

به نظر می‌رسد ابن‌زولاق نیز از این قاعده مستثنا نبوده است و پیوسته در نگارش کتاب از فخر و مباهات خویش و هم‌وطنانش در اسکان سرزمین مصر سخن به میان می‌آورد (همان: ۱۷۴). از یک‌سو، محدودیت منطقه مورد بررسی و، از دیگر سوی، آشنایی و اشراف ابن‌زولاق بر موطن و هم‌وطنان خود، به‌نوعی دقت و صحت تاریخ مکتوب وی را افزایش داده است و هرچند منابع تاریخ عمومی از حیث داشتن اطلاعات محلی و ایالتی متعددند، بدون بررسی تاریخ‌های محلی، دستیابی به تاریخ یک منطقه دشوار می‌شود. البته، برخی تاریخ‌نگاران محلی نیز از وسعت دید برخوردار بوده و به اوضاع و احوال پیشینیان و تواریخ

پیامبران و حکام یا به شرح وقایع خارج از منطقه خود نیز پرداخته‌اند که ابن‌زولاق در زمرة این تاریخ‌نگاران محلی است.

در نقد و ارزیابی این اثر باید گفت، از آن‌جا که مفهوم «نقد» یعنی بررسی و ارزیابی قدر و قیمت یا ارزش چیزی، یا بررسی نقاط قوت و ضعف اثری به‌منظور تعیین ماهیت یا محدودیت‌های آن، یا تعیین میزان مطابقتش با معیارهای مقبول (حضرتی ۱۳۹۱: ۲) است، کتاب فضائل مصر نشان می‌دهد که نویسنده در ارائه موضوعات و تدوین کتاب از رویکردی تاریخی-روایی و براساس شیوه حدیثی-خبری از شیوه‌های تدوین و تنظیم در تاریخ‌نگاری اسلامی بهره برده است. این امر کتاب یادشده را در جایگاهی منظم براساس رویدادهای تاریخی در بستر زمان قرار می‌دهد و امکان تداخل‌های ناخواسته را بر نویسنده مسدود می‌کند.

### ۱.۵ مزایای کتاب فضائل مصر

پژوهش در زمینه نقد یکی از منابع تاریخ‌نگاری اسلامی به‌ناگزیر مقوله مربوط به مزایای منبع مدنظر را مطرح می‌کند. از جمله این‌که:

- ابن‌زولاق، در طی عمر هشتادویک‌ساله خود، آثار بسیاری به تاریخ‌نگاری اسلامی تقدیم کرد؛ از جمله کتاب موردنقد منبعی بسیار مفید و غنی در تاریخ‌نگاری اسلامی عصر فاطمیان محسوب می‌شود؛
- ابن‌زولاق توانست پژوهشی درخور توجه از تاریخ مصر تا اواخر قرن چهارم هجری را به میراث تاریخ‌نگاری اسلامی اضافه کند؛
- استنادها و ارجاع‌های فراوان به‌هنگام ذکر رخداد واقعه‌ای تاریخی؛
- این کتاب در شناخت زمینه‌های فکری، روش‌ها، و آرای دیگر مورخان اسلامی حائز اهمیت است؛ زیرا دراثنای سطرهای مرقوم‌شده در کتاب می‌توان کم‌وبیش به دگرگونی‌هایی که در پژوهش و بینش تاریخی دوره فاطمیان رخ داده دست یافت؛
- کتاب فضائل مصر اطلاعات جامع و همه‌جانبه‌ای از قبیل شهرشناسی جغرافیایی، اجتماعی، و اقتصادی مصر به‌صورت‌هایی نظیر مختصات اقلیمی، تاریخچه، و کیفیت پیدایش شهر، اسامی اماکن، عمارت‌ها، مقبره‌ها، لیست افراد نامور، اعم از صاحب‌منصبان دولتی، علمی، متمکنان، سلسله حاکمان محلی، و اوضاع اقتصادی اجتماعی در مصر را به‌دست می‌دهد؛

- ابن‌زولاق با نگارش کتاب *فضائل مصر* خود را پیش‌تاز مورخان مصری در زندگی فرهنگی و فکری مصر در قرن چهارم هجری معرفی کرد و تألیفاتی را به مکتب تاریخ‌نگاری مصر ارائه کرد که، با وجود گذشت زمان طولانی از عصرش، هم‌چنان به‌عنوان بارزترین چهره فکری - فرهنگی مصر نزد مورخان مصری و دیگر مورخان مطرح است و این امر با استناد مورخان و اعتماد آنان به آثارش از جمله کتاب *فضائل مصر* متبلور می‌شود؛

- محقق، علی محمد عمر، مطالب کتاب را با زیرنویس‌های بسیاری همراه کرده است که شاید حجم آن‌ها از حجم مطالب مربوط به نویسنده کتاب هم بیش‌تر باشد. نگارنده بر این باور است که علت اصلی این کار این است که کتاب از نظر حجم و اندازه کوچک به‌نظر می‌رسد؛ ولی از نظر محتوا دربرگیرنده مفاهیم گوناگون است که محقق به خود اجازه داده است تا درحین تحقیق بسیاری از مفاهیم و مباحث را در پاورقی توضیح دهد. درواقع، ابن‌زولاق در *فضائل مصر* زبانی تاریخی و ادیبانه اختیار کرده است و، با توجه به چگالی بالای معنایی که بر کتاب حاکم است، محقق را ناگزیر می‌کند که همراه متن اصلی توضیحات بسیاری به آن بیفزاید؛

- نویسنده در بررسی تاریخ محلی رویکرد تاریخی - روایی و براساس شیوه حدیثی - خبری از شیوه‌های تنظیم در تاریخ‌نگاری اسلامی بهره برده است و مطالب را براساس تقسیم ادواری و زمانی ارائه می‌کند.

## ۲.۵ معایب کتاب *فضائل مصر*

سخن از معایب کتاب به‌معنای کاستن از شأن آن و تحقیق آقای علی محمد عمر نیست؛ اما، از آن‌جاکه گفته‌اند: «لکل شیء إذا ما تم نقصان» (الرندي ۲۰۱۰: ۲)<sup>۱</sup> این معایب عبارت است از:

### ۱.۲.۵ اطناب مملّ و ایجاز مخلّ

ابن‌زولاق گاه در برخی موضوعات دامنه سخن را طولانی و در موضوعات دیگر دامنه سخن را بسیار کوتاه می‌کند. به‌نظر می‌رسد علت این کار این بوده باشد که ابن‌زولاق درصدد خارج کردن خود از سختی درک مطالبی است که به‌روشنی واضح نبوده است.

### ۲.۲.۵ کتاب خاتمه ندارد

انتظار می‌رفت اگر حداقل در پایان هر موضوعی از موضوعات کتاب خاتمه یا نتیجه‌گیری وجود ندارد، در پایان کتابی که این چنین مطمحنظر مورخان اسلامی و مرجع استناد آنان در آثارشان به‌شمار می‌رفته است خاتمه‌ای وجود داشته باشد. البته، شاید ضرورتی نداشته باشد در باب مباحث کتاب حاضر «نتیجه» ای نوشته شود؛ زیرا مدعایی را به آزمون نگذاشته است تا یافته‌های جدید را در نتیجه بیان کند. اما بی‌ضرر نبود اگر در سخن پایانی کتاب خاتمه‌ای وجود داشت.

### ۳.۲.۵ کتاب فاقد روش در پژوهش‌های تاریخی – ادبی است

باتوجه به اهمیت روش در این گونه پژوهش‌ها، اگرچه دغدغه همیشگی مورخان توصیف گسترده بوده و هست، حتی اگر نخواهند به سراغ تبیین و تحلیل هم بروند، برای آن توصیف نیز نیازمند روش‌اند.

روش‌های علمی کیفی و کمی و به‌کارگیری آن‌ها در پژوهش‌های تاریخی می‌تواند معیار تمیز تحقیقات تاریخی آکادمیک و غیرآکادمیک از یکدیگر باشد. بنابراین، توقف در تاریخ توصیفی هم بی‌نیاز از روش نخواهد بود (حضرتی ۱۳۹۱: ۱۹۵).

### ۴.۲.۵ مبالغه و غلو در کتاب

به‌نظر می‌رسد، ابن‌زولاق در پاره‌ای موارد، چون ساحرانی که توسط فرعون در برابر موسی (ع) حاضر شدند و همه آنان در یک ساعت ایمان آوردند، بر آن است که قومی را نمی‌شناسد که در یک ساعت بیش از اینان ایمان آورده باشند؛ این درحالی است که تاریخچه دین مبین اسلام بیان‌گر این است که افراد و اقوامی بوده‌اند که به‌محض اولین دیدار، بی‌آن‌که استدلال و ادله‌ای مبنی بر توحید و یکتاپرستی بر آنان اقامه شود، ایمان آورده‌اند.

### ۵.۲.۵ خالی بودن کتاب از تحلیل تاریخی

انتظار می‌رفت صفحات کتاب خالی از تحلیل تاریخی نباشد. درحقیقت، نویسنده بیش‌تر نگرش به تاریخ مصر را به‌گونه‌ی روایی دنبال می‌کند و نه تحلیلی.

## ۶. روش ابن‌زولاق در نگارش کتاب فضائل مصر

پیش‌روی سریع و فتوحات عرب‌های فاطمی در مصر به گسترش قلمرو اسلامی آنان انجامید و پس از آن فاطمیان می‌بایست شیوه‌ای برای اداره امور قلمروشان می‌اندیشیدند و از همه مهم‌تر وضعیت مالی و محاسبات مالیاتی قلمروشان به تدابیر عقلی نیاز داشت؛ بدین سان، مورخان فاطمی درصدد گردآوری اسناد «اغلب شفاهی شامل نقل قول راویان» (زیدان ۱۳۵۲: ۴۹۷) و چگونگی فتح ممالک و ولایات مختلف برآمدند و، خواسته یا ناخواسته، به تألیف کتاب‌هایی درباب فتح هر منطقه پرداختند. برخی مورخان به تاریخ‌نویسی درباب شهرها پرداختند. مطالب تاریخ آنان بیش‌تر مشتمل بر شرح و توصیف شهر و مردم آن گردید. از انواع این کتب می‌توان *حِطَطُ قُضَاعِي* و *حِطَطُ مَقْرِيْزِي* درباره تاریخ مصر و *اخبار مصر والقاهره* تألیف ابوالمحاسن (ابن تغری البردی) و سیوطی را نام برد که *حِطَطُ مَقْرِيْزِي* از همه مشهورتر است (همان: ۵۰۱).

ابن‌زولاق نیز با شرح احوال بزرگان و مشاهیر و حتی در برخی موارد ذکر قبور و مزار اموات، که حاکی از علاقه وی به واردساختن محل سکونتش (کشور مصر) به تاریخ است، چنین می‌کند؛ او از تاریخ محلی چون ابزاری کارآمد برای نوعی رقابت و تفاخر جهت بزرگ‌نمایی وطن و سرزمین پدری استفاده کرده است تا جایی که با اصرار شدید در پی یافتن احادیث و آیاتی از قرآن حکیم، که در آن ذکر مصر آمده، است تا با استناد به آن‌ها اثر خود را مزین کند: «*اهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَا سَأَلْتُمْ*» (بقره: ۶۱) و هم‌چنین، حکایت فرعون و افتخارش به مصر: «*وَ نَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَ هَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ*» (الزخرف: ۵۱)؛ بدین وسیله، درصدد بوده تا به شهرش اعتبار معنوی خاصی ببخشد.

ابن‌زولاق به همین روش در روایت اثرش پیش می‌رود؛ وی از احادیث رسول اکرم (ص)، که در آن سخن از مصر به‌میان آمده است، از جمله حدیثی<sup>۲</sup> که پیامبر صحابه‌اش را به قبطیان مصر سفارش کرد، استناد می‌کند (ابن‌عبدالحکم ۱۹۹۵: ۲۰؛ مسلم بن حجّاج ۱۹۷۷: ج ۴، ۱۹۷۰) (بعد از من سرزمین مصر را فتح خواهید کرد. شما را به رفتاری نیکو با قبطیان سفارش می‌کنم؛ زیرا آنان تحت مسئولیت و حمایت شما هستند). هم‌چنین، هاجر، همسر ابراهیم (ع) و مادر فرزندش، اسماعیل (ع)، و ماریه قبطیه، همسر رسول اکرم (ص)، نیز از ایشان بودند (ابن‌عبدالحکم ۱۹۹۵: ۲۰).

قول مشهور این است که ابن زولاق در بسیاری از آثارش درباره فضائل مصر از روش عمر بن ابی عمر کندی - که از استادان وی بوده است - پیروی کرده است یا شاید این مسئله بدان مربوط شود که در بسیاری از اوقات کتاب‌های این دو نفر، ابن زولاق و استادش، به یک‌دیگر شباهت دارد (ابن زولاق ۲۰۰۰: ۷).

طبیعی است که اهتمام و توجه ابن زولاق به تاریخ باشد؛ زیرا کشور مصر، که در آن زندگی می‌کند، نماینده آثار باستانی قدیم است و از بزرگان وطن کهن خود حکایت می‌کند و پرده از دوره جاوید آن در خدمت تمدن بشری برمی‌دارد.

مقامات دولتی مصر در عهد ابن زولاق به ارتباط مسلمانان با قبطیان ادامه دادند و والیان مصر قبطیان را در جشن وفاداری به نیل در هر سال مشارکت می‌دادند؛ جشنی که از زمان فراعنه مصر تاکنون پابرجا بوده است؛ زیرا رودخانه نیل منبع ثروت و آسایش در مصر بود و در نتیجه این جشن مناسبتی نیکو برای نزدیکی هرچه بیشتر قبطیان و عرب‌های مسلمان شد (همان).

از نمونه روایت‌های ابن زولاق در این زمینه چنین است که حسین بن علی (ع) در نشست با معاویه به او فرمود: «از مردم سرزمین حِفن<sup>۱</sup> در سرزمین مصر، که روستای ماریه، ام‌ابراهیم، است، خراج را به خاطر تکریم رسول خدا (ص) قطع کن.» و وی نیز چنین کرد (همان).

هم‌چنین، ابن زولاق مصر و مردم آن را به جهت ارتباطی که با پیامبران، انبیاء، و داعیان دینی داشته‌اند تمجید می‌کند. وی به جایگاه وزرای مصر در قدیم اشاره کرد و روشن نمود که خداوند سبحان در قرآن کریم آنان را ستوده است؛ زیرا فرعون را نصیحت کردند؛ اما وزرای سرزمین بابل<sup>۲</sup> نمرود را بر ادامه فحشا و قتل در مورد ابراهیم (ع) تحریض کردند و گفتند: «ابراهیم را بسوزانید و خدایانتان را یاری رسانید.» ابن زولاق از ساحرانی که توسط فرعون در برابر موسی (ع) حاضر شدند، به حدی شگفت‌زده شده بود که می‌گوید: «همه آنان در یک ساعت ایمان آوردند و قومی را نمی‌شناسم که در یک ساعت بیش از اینان ایمان آورده باشند» (همان).

ابن زولاق یادآور می‌شود که مرکز جنبش علمی - دینی و قلب تپنده دانش در آن روزگار مصر بوده است. مسجد عمرو بن العاص محل گردهم‌آیی دانشمندان بوده است و دانش‌پژوهان برای دریافت علم و دانش به آنجا گسیل می‌شدند. هم‌چنین، هیئت‌های علمی بسیاری از اقصی نقاط شهرهای مختلف اسلامی با هدف روایت از علمای مصر به آنجا فرستاده شد (همان: ۸).

نویسنده، پس از ستایش دانشمندان مصری، به ستایش سرزمین مصر روی می‌آورد و آنچه را باعث برتری و تمییز میان مصر و دیگر شهرها شده بیان می‌کند. سپس، به پاکیزگی هوا و طهارت آن و سلامت و نعمتی که مردمان از آن برخوردارند و امنیتی که در مصر حاکم است و در دیگر شهرها نیست سخن می‌گوید. ابن‌زولاق توجه خود را به حاصل‌خیزی خاک و طینش و آنچه این خاک از خیر و برکت حاصل می‌کند معطوف کرد. سپس، بسیاری از روایت‌های تاریخی‌ای را که این پدیده را تمجید می‌کرد گرد آورد؛ از جمله به روایت عبدالله بن عمرو در توصیف مصر استناد می‌کند که هرکس بخواهد به شمایل و مظهر فردوسی برین در دنیا بنگرد باید به سرزمین مصر، آن هنگام که کشت‌زارهایش سبز و رودخانه‌هایش خروشان است و میوه‌هایش می‌رسد، سفر کند (همان).

این گواهی — و آنچه ابن‌زولاق شبیه آن در این موضوع دنبال کرده است — نمایان‌گر روح ملی و مؤمنی است که به بزرگی وطن کهن خود ایمان دارد. وی، در پژوهش خود، زندگی روستایی در مصر قدیم و هنگام دخول عرب به مصر و سپس بعد از استقرار فتوحات عربی در کشور را نیز به تصویر کشیده و ثابت کرده است که روستای مصر در همه مراحل تاریخ زیبایی و تابش و تالو خود را از دست نداد. ابن‌زولاق در حوزه تاریخ محلی مصر به تربیت اسب‌هایی که توسط عرب به مصر آورده و به سلسله‌نسب آن‌ها توجه می‌شد می‌پردازد و افتخار خود و هم‌وطنانش به اسب‌های مصر و حکایت‌هایی است که اهل فن در این شأن بیان کرده‌اند، از جمله روایتی از ولید بن عبدالملک بن مروان را یادآور می‌شود که ولید هنگامی که خواست سپاهی از اسبان را تدارک دهد، به حاکمان هر سرزمین نوشت که بهترین اسب‌ها را برای وی گزینش کنند. هنگامی که گروه اسب‌ها را در محضر وی به‌نمایش گذاشتند، اسب‌شناسی مصری نرمی مفصل و پهلوی اسب‌ها را که دید، گفت: «همه اسب‌های این لشکر اصیل‌اند» (همان: ۹).

وی درباره نیل نیز، با اعلام افتخار خود و هم‌وطنانش به این رودخانه خروشان، اهمیت آن را در زندگی مصریان گوش‌زد می‌کند و در این باب حقیقت مهمی را که تاکنون مصر به آن توجه بسیار داشته آشکار می‌کند و آن کوشش مسئولان در خروش و فیضان آب نیل و شناخت آب آن است. در این باره به داستان‌هایی که مربوط به آداب و رسوم طغیان این رودخانه است اشاره می‌کند. این‌که مردم مصر به‌هنگام طغیان نیل، برای جلوگیری از خرابی حاصل از طغیان رود، عروس باکره را در آن می‌انداختند و البته عمرو بن العاص به‌هنگام ورود به مصر این رسم را باطل کرد (همان).



## ۷. جایگاه ابن زولاق در نگارش کتاب فضائل مصر در میان مورخان

ابن زولاق با نگارش کتاب فضائل مصر خود را به عنوان پیش‌تاز مورخان مصری بر مسند مکتب تاریخ‌نگاری مصر می‌نشانند. تألیفاتی که به مکتب تاریخ‌نگاری مصر ارائه کرد، با وجود مترتب‌شدن بستر زمان بر آن، هم‌چنان، به‌عنوان بارزترین شخصیت فکری - فرهنگی مصر نزد مورخان مصری و دیگر مورخان مطرح است.

مثلاً، ابن عثمان (د ۶۱۵ ق) در کتاب خود، *مرشد الزوار*، از تألیفات ابن زولاق از جمله کتاب فضائل مصر استفاده می‌کند. هم‌چنین، یاقوت حموی (۵۷۴-۶۲۶ ق) بیش‌ترین ماده مربوط به برخی شهرهای مصر چون آدفو، اسکندریه، آسوان، بوسیر، دمیاط، سردوس، عریش، قیوم، مریوط، منف، و هرمین را حرف‌به‌حرف از تألیفات وی در کتاب *معجم البلدان* نقل کرده است. قزوینی (د ۶۸۲ ق) نیز از کتاب فضائل مصر، در مناسبت سخن از شهرهای عین شمس، هرمین، و منف سود برده است. نویری (۶۶۷-۷۳۲ ق) نیز در کتاب *نهایة الأرب*، در فصلی که به مصر و فضائل آن اختصاص داده، حرف‌به‌حرف از کتاب ابن زولاق نقل می‌کند (النویری ۱۹۲۳: ۱۴۶). مقریزی (۷۶۴-۸۴۵ ق) هم در جایگاه‌های متعددی از کتاب *الخطط* از تألیفات ابن زولاق، مثل *فضائل مصر، الدلائل علی أمراء مصر*، و *اخبار المأذرائین، سیرة المعز لدين الله* استفاده کرده است (ابن زولاق ۲۰۰۰: ۱۱).

بسیاری از نقل‌های مربوط به کتاب فضائل مصر نزد ابن‌ظهيره محمد بن محمد القدسی (د ۸۸۸ ق) نیز حرف‌به‌حرف از کتاب فضائل مصر ابن زولاق اقتباس شده است و به تألیف ابن زولاق در فصلی با نام «بیان فضیلت‌های مصر» اشاره می‌کند (ابن‌ظهيره ۱۹۶۹: ۱۹۸). هم‌چنین، سیوطی (۸۴۹-۹۱۱ ق) در کتاب *حسن المحاضرة* و ابن‌ایاس (۱۴۴۸-۱۵۲۳ م) (۱۴۴۸-) نیز در جلد اول کتاب *بدائع الزهور* از کتاب فضائل مصر ابن زولاق سود برده‌اند. بدین ترتیب، مکتب تاریخ‌نگاری مصر آن هنگام که مورخان جدید قصد بیان فضیلت‌ها و محاسن مصر را دارند به تألیفات ابن زولاق توجه بسیار کردند (همان ۲۰۰۰: ۱۳).

## ۸. نتیجه‌گیری

در پایان، گفتن این نکته ضروری به‌نظر می‌رسد که کتاب فضائل مصر ابن زولاق، بی‌گمان، نقش زیادی در دادن پیش‌زمینه‌ای تاریخی - ادبی به خواننده تاریخ‌نگاری اسلامی برای ورود به مقوله تاریخ محلی و معنادارشدن مفاهیم آن می‌دهد و البته مختصر نتایج زیر را حاصل کرده است:

۱. کتاب *فضائل مصر* در عهد فاطمیان از تألیفات تاریخ محلی‌ای به‌شمار می‌رود که تمایل فاطمیان در ثبت وقایع تاریخی اماکن (مناطق و شهرها) را نزد نویسندگانی چون ابن‌زولاق متجلی می‌کند. این انگیزه باعث شد به ارزش محل زندگی خود پی ببرند و برای توصیف و نمایاندن آن به مردم دیگر مناطق یا ساکنان خارج از مرزهای فاطمیان، که در قالب بازرگان به این نواحی می‌آمدند، به تألیفات تاریخ محلی بپردازند؛
۲. با توجه به اعتمادسازی و گردآوری مطالب درباره تاریخ مصر، *فضائل مصر* کتابی است ارزشمند و مرجعی برای تاریخ محلی مصر. این اثر توانایی بسیاری در پاسخ به نیازهای اطلاعاتی پژوهش‌گران در این زمینه را دارد؛
۳. نویسنده، در بررسی تاریخ محلی از رویکرد تاریخی — روایی و براساس شیوه حدیثی — خبری از شیوه‌های تنظیم در تاریخ‌نگاری اسلامی بهره برده است و مطالب را غالباً براساس تقسیم‌بندی ادواری و زمانی ارائه کرده است؛
۴. به نظر می‌رسد این کتاب توانایی لازم را برای کسب مهارت تحلیل تاریخ محلی، این‌گونه از تاریخ‌نگاری اسلامی، که یکی از اهداف مهم تربیتی آموزش است، به خوانندگان یا فراگیران نمی‌دهد؛ اگرچه اطلاعات زمینه‌ای بسیاری درباره تاریخ محلی مصر در اختیار وی قرار می‌دهد؛
۵. ابن‌زولاق با نگارش کتاب *فضائل مصر* خود را پیش‌تاز مورخان مصری در زندگی فرهنگی و فکری مصر در قرن چهارم هجری معرفی کرد و تألیفاتی به مکتب تاریخ‌نگاری مصر ارائه نمود که، با وجود گذشت زمان طولانی از عصرش، هم‌چنان به‌عنوان بارزترین شخصیت فکری — فرهنگی مصر نزد مورخان مصری و دیگر مورخان مطرح است و این امر با استناد مورخان و اعتماد آنان به آثارش، از جمله کتاب *فضائل مصر*، متبلور می‌شود.
۶. کتاب *فضائل مصر* اطلاعات جامع و همه‌جانبه‌ای از قبیل شهرشناسی جغرافیایی، اجتماعی، و اقتصادی مصر به‌صورت‌هایی نظیر مختصات اقلیمی، تاریخچه و کیفیت پیدایش شهر، اسامی اماکن، عمارت‌ها، مقبره‌ها، فهرست افراد نامور، اعم از صاحب‌منصبان دولتی، علمی، متمکنان، سلسله حاکمان محلی، و اوضاع اقتصادی و اجتماعی در مصر را به‌دست می‌دهد.
۷. کتاب *فضائل مصر* در جرگه تاریخ‌های محلی منفرد قرار می‌گیرد؛ زیرا به‌طور خاص به یک محل (سرزمین مصر) پرداخته است.

## پی‌نوشت‌ها

۱. ابن مصرع ابتدای قصیده نونیه شاعر اندلسی، ابوالبقاء الرندی، است: «لُكِّلَ شَيْءٌ إِذَا مَا تَمَّ نُقْصَانُ/ فَلَا يَغْرُبُ بِطِيبِ الْعَيْشِ إِنْسَانُ/ هِيَ الْأُمُورُ كَمَا شَاهَدَتْهَا دُولُ/ مَن سَرَّهُ زَمَنٌ سَاءَتْهُ أَرْزَامٌ.»
۲. حدیث رسول اکرم (ص): «سُتْفَتْحُ عَلَيْكُمْ بَعْدِي مِصرَ فَاسْتَوْصُوا بِقِبْطِهَا خَيْرًا، فَإِنَّ لَكُمْ مِنْهُمْ ذِمَّةً وَرَحْمَةً.»

## کتاب‌نامه

قرآن کریم.

- ابن زولاق، حسن بن ابراهیم بن حسین لیثی (۲۰۰۰)، فضائل مصر و اخبارها و خواصها، تحقیق: علی محمد عمر، قاهره: مکتبه الخانجی.
- ابن ظهیره، محمد بن محمد القدسی (۱۹۶۹)، الفضائل الباهره فی محاسن مصر و القاهره، قاهره: دار الکتب المصریه.
- ابن عبدالحکم، عبدالرحمن بن عبدالله (۱۹۹۵)، فتوح مصر، تحقیق علی عمر، قاهره: مکتبه الثقافه الدینیه.
- اتکینسون و دیگران (۱۳۷۹)، فلسفه تاریخ، روش‌شناسی، و تاریخ‌نگاری، ترجمه حسین علی نودری، تهران: طرح نو.
- اشپولر، برتولد و دیگران (۱۳۸۰)، تاریخ‌نگاری در ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر گستره.
- حضرتی، حسن (۱۳۸۸)، «درآمدی بر نقد تاریخی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۱۴۰.
- حضرتی، حسن (۱۳۹۱)، روش پژوهش در تاریخ‌شناسی، تهران: نشر پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.
- حمیدی، جعفر (۱۳۷۲)، تاریخ‌نگاران، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- خیراندیش، عبدالرسول (۱۳۸۰)، «صورت‌شناسی تاریخ‌های محلی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، س ۴، ش ۱۰-۱۱.
- رضایی، غلام عباس و ابوبکر محمودی (۱۳۸۹)، «بررسی تطور ساختاری دو قصیده جاهلی و اسلامی از حسان بن ثابت بانظر به مکتب ساختارگرایی»، پژوهش‌نامه نقد ادبی، ش ۱.
- رندی، ابوالبقاء (۲۰۱۰)، دیوان شعر، تحقیق حیا قاره، کویت: مرکز الباطین لتحقیق المخطوطات الشعریه.
- رودگر، قنبرعلی (۱۳۹۱)، «چندوچون تاریخ محلی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۱۶۸.
- روزنتال، فرانتس (۱۳۶۶)، تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام، ترجمه اسدالله آزاد، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- زیدان، جرجی (۱۳۵۲)، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، تهران: امیرکبیر.

۲۷۶ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال شانزدهم، شماره ششم، بهمن و اسفند ۱۳۹۵

- سجادی، سیدصادق و هادی عالم‌زاده (۱۳۷۹)، *تاریخ‌نگاری در اسلام*، تهران: سمت.
- طیّبی، سیدمحمد (۱۳۸۱)، «سیری در تاریخ‌نگاری محلی»، فصل‌نامه پژوهش‌گران فرهنگ شورای پژوهشی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان، س ۱، ش ۱.
- قصاب، ولید (۲۰۰۷)، *مناهج النقد الأدبی الحدیث، رؤیة اسلامیة*، دمشق: دار الفکر.
- گروهی از نویسندگان (۱۳۶۱)، *تاریخ‌نگاری در اسلام و مجموعه مقالات*، ترجمه و تدوین یعقوب آژند، تهران: نشر گستره.
- مسلم بن حجاج (۱۹۷۷)، *صحیح مسلم*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- میرزایی، فرامرز و حسین ابویسانی (بی‌تا)، «تحلیل انتقادی کتاب *الاتجاهات و الحركات فی الشعر العربی الحدیث*»، بی‌تا.
- نورایی، مرتضی (۱۳۹۰)، *تاریخ‌نگاری محلی و خط‌نویسی در مصر دوره اسلامی*، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- النویری، احمد بن عبدالوهاب (۱۹۲۳)، *نهاية الأرب فی فنون الأدب*، قاهره: المؤسسة المصریة.